

جوان‌گرایی و انتزاعی‌گرایی: گرایش نمایشگاه پنجم تصویرگری

گزارش بیست و دومین نشست نقد آثار تصویری کودک و نوجوان

بهمن پور: نمایشگاه تصویرگران از نظر سازمانی، ارگانی بود که با حمایت مستقیم معاونت فرهنگی و سپس معاونت هنری وزارت ارشاد، تا الان برگزار شده است. این که بعد از این، ستاد نمایشگاه تصویرگران تعطیل شود و انجمن بخواهد کارهایش را انجام دهد، از موضوعاتی است که باید ببینیم انجمن چه فعالیتهایی را در دستور کارش قرار خواهد داد. به طور کلی یکی از فعالیتهای انجمن،

بهمن پور بود. اکرمی: دستور جلسه امروز، بررسی پنج دوره برگزاری نمایشگاه تصویرگران است و ما در خدمت آقای بهمن پور و آقای نظری هستیم. آقای بهمن پور، آیا فعالیتهای ستاد برگزاری نمایشگاه، تحت‌الشعاع انجمن تصویرگران قرار می‌گیرد و یا شما فعالیتتان را در کنار انجمن ادامه خواهید داد؟

بیست و دومین نشست نقد آثار تصویری، روز یک‌شنبه ۸/۴/۸۲، با حضور عده کثیری از تصویرگران و منتقدان، در محل خانه کتاب برگزار شد. بخش اصلی این نشست، به نقد و ارزیابی پنج دوره نمایشگاه تصویرگران تهران، با تاکید بر دوره پنجم اختصاص داشت و در حاشیه نیز صحبت‌هایی از انجمن تصویرگران به میان آمد. سخنران این نشست، محمودرضا





برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی است.

اکرمی: در واقع، این بحث را با این دید شروع می‌کنیم که هم یک نگاه کلی به آن پنج نمایشگاه داشته باشیم و هم یک نگاه خاص به نتایج پنجمین نمایشگاه.

بهمن پور: قبل از این که وارد موضوع بحث نمایشگاه تصویرگران شوم، اشاره‌ای می‌کنم به سال ۶۱ که دوران نوجوانی بنده بود، من در این زمان، وارد وزارت ارشاد شدم. در همان سال، با آقای حجوانی آشنا شدم و هر چیزی که در حوزه ادبیات کودکان آموختم، در محضر ایشان بود و وظیفه خودم می‌دانم که از ایشان تشکر کنم. برگزاری نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک، در سال ۱۳۶۸، پیش‌زمینه‌هایی داشت. در آن دوره، در وزارت ارشاد نگاهی وجود داشت که معتقد بود باید کتاب‌های کودک و نوجوان را قبل از چاپ، بررسی کنند و مجوز انتشار بدهند. در آن زمان، تعداد نویسندگان جدی کودک و نوجوان و تصویرگران، به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسید. در آخرین سال‌های قبل از انقلاب، بیشترین عنوان کتاب که منتشر شده بود، چیزی در حدود ۲۸۰ عنوان بود. در حالی که بعد از انقلاب، چاپ کتاب کودک افزایش بسیاری

یافت؛ هم تیراژ و هم تعداد عناوین. یعنی چیزی حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ عنوان کتاب درآمد که البته، اطلاق کتاب به اغلب آن‌ها چندان درست نیست. در واقع، بخش عمده آن کتاب‌ها، کتاب‌سازی بود. در ضمن ۸۰ درصد این‌ها کتاب‌ها ترجمه بود و ما فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد کتاب تألیفی داشتیم که این کتاب‌ها هم توسط افرادی نگاشته می‌شد که با موضوع ادبیات آشنایی نداشتند.

در آن دوره، مهم‌ترین مشکلاتی که به وجود آمد، این بود که ما برخورد سلیبی می‌کردیم و می‌گفتیم چه آثاری نمی‌تواند دربیاید. همراه این سیاست‌های سلیبی، روش‌های اثباتی هم بنیان گذاشته نشده بود که این سیاست، سیاست خوبی نبود.

در آن زمان، به دلیل سخت‌گیری‌هایی که در انتشار کتاب رایج بود، به کیفیت متن هم توجه خاصی می‌شد. بعدها با همت آقای حجوانی، در سال ۶۸، اولین سمینار ادبیات کودکان کشور، در جوار نمایشگاه تصویرگران برگزار شد. ما در آن دوره، به اصطلاح «پیاده» بودیم! چون از سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی، هیچ چیز نمی‌دانستیم. برای این که کارها سرو سامانی بگیرد، دو بزرگوار در آن سال‌ها به ما خیلی کمک کردند. در حوزه محتوایی، خانم میرهادی دست‌مان را گرفتند و در بخش

سازمان‌دهی، آقای مرتضی ممیز ما را همراهی کردند. در سال ۶۸ درآوردن کتابی شبیه کاتالوگ تصویرگران، ممکن نبود. پیش نمی‌آمد که همزمان با برگزاری نمایشگاه، کتابی دربیاید که حاوی تصاویر آن نمایشگاه باشد؛ آن هم با تصاویر رنگی و در شب افتتاح، بین مردم پخش شود.

مهم‌ترین تأثیری که برپایی نمایشگاه نخست گذاشت، این بود که تعداد زیادی تصویرگر ناشناخته را معرفی کرد که کار می‌کردند، ولی کمتر کسی آن‌ها را می‌شناخت. نمایشگاه باعث شد که آنها کارشان روی دیوار برود. هم‌چنین، به وزارت ارشاد کمک کرد تا کار راهنمایی و هدایت ناشران را بهتر پیش ببرد. آثاری که در دوره اول، به عنوان آثار برگزیده انتخاب شد، الان اگر بخواهیم آن‌ها را مرور کنیم، شاید تعدادی از آن‌ها خام و ناپخته به نظر برسند که این به دلیل کم‌تجربگی عمومی در حوزه ادبیات کودکان و کتاب کودک بود.

نفر اول نمایشگاه، خانم تقوی و نفر دوم، خانم معصومیان بود که به مجموعه کارهای‌شان جوایزی داده شد. البته خانم معصومیان، کتابی به نام «لالایی» داشتند که با شعرهای ضعیف نویسنده‌ای محترم همراه بود، اما خود تصاویر، تصاویر خوبی بود. مشکلی که ما آن موقع داشتیم، این بود که کاری به عنوان کار اول



انتخاب نشد. به علاوه مشکل سازمان‌دهی هم داشتیم و تعداد کارها زیاد بود و همه کارها هم به نمایشگاه راه پیدا کرده بودند. از آقایان متقالی و صادقی و زرین‌کلک هم در آن نمایشگاه قدردانی شد. ده نفر دیگر هم در آن نمایشگاه جایزه گرفتند؛ از جمله آقایان سهی، بنی‌اسدی و خورشیدپور و یک تصویرگر ژاپنی، به اسم «موری موتو» که ناشرش کارهایش را اتفاقی فرستاده بود و انصافاً هم کارهای جالبی بود.

نمایشگاه اول، نمایشگاه داخلی بود. و نکته مهمی که در مورد آن باید گفت، این است که نسل حرفه‌ای آن دوران که بخشی از آن‌ها در سال‌های آخر انقلاب، کارهای‌شان در کانون پرورش فکری کودکان به نتیجه رسیده بود، در این نمایشگاه حضور داشتند. این‌ها نسل دوم تصویرگران ما را تشکیل می‌دهند. البته کانون پرورش فکری، این نمایشگاه را به نوعی تحریم کرد و شاید نگران این بودند که چرا کانون علی‌رغم پیشنهادی که به آن شده بود، این کار را اجرا نکرد. به همین دلیل، بخشی از کارهای خوب آن دوران، اگر توسط خود تصویرگر به آن نمایشگاه راه پیدا نمی‌کرد، بدون شک توسط خود کانون به این نمایشگاه راه نمی‌یافت. نمایشگاه در دوره اول با توجه به حضور نداشتن کانون توانست بنیه بخش غیردولتی را به نمایش بگذارد. در مورد نمایشگاه دوم

تصویرگران که در سال ۷۰ برگزار شد، باید بگویم که مشکلات ما در این دوره بسیار کم‌تر شده بود و جامعه هنری ما هم آن را پذیرفته بود. کانون پرورش فکری هم در این زمان، موضع قبلی را نداشت و آمادگی پیدا کرده بود که در این نمایشگاه شرکت کند. اتفاق مهمی که رخ داد، این که مراکز و مجامع بین‌المللی که بعضاً از طریق شورای کتاب کودک با نمایشگاه دوره اول آشنا شده بودند، به این نمایشگاه اعتماد کردند و نمایشگاه دوره دوم، به راحتی برگزار شد. از نظر زمان‌بندی هم زمان‌بندی مطلوب و مناسبی داشتیم و کشورهای مطرح آسیا مثل شوروی، چین، ژاپن، تایوان، ترکیه، پاکستان و بنگلادش در این نمایشگاه شرکت کردند. هم‌زمان با این نمایشگاه، آثار یک تصویرگر بسیار بزرگ ژاپنی، در بخش جنبی نمایشگاه به نمایش گذاشته شده بود که ۶۰ هزار دلار آن هم حدود دوازده سال پیش هزینه بیمه آثار این تصویرگر بود که سفارت ژاپن در تهران آن را پذیرفت و پرداخت. علاوه بر این، وجهه داوران این نمایشگاه، باعث شد که اعتماد جامعه هنری به نمایشگاه جلب شود. در جوار نمایشگاه، دومین دوره سمینار ادبیات کودکان هم برگزار شد که نظمی پیدا کرده بود. در کنار این سمینار، سمینار دیگری برگزار شد برای بررسی مسایل تصویرگری کتاب کودکان.

کانون پرورش فکری در آن دوره، علاوه بر این که کارهایش را شرکت داد، برنامه مرور و بررسی یک دوره ۲۰ ساله از کارهای تصویرگری تصویرگران کانون را برپا کرد که یک بخش جنبی قابل اتکا معتبر بود؛ چون مجموعه آثار برگزیدگان و چهره‌های برجسته کتاب کودکان را در آن جا ارائه کردند. در این دوره، نفر اول از تایوان بود و نفر دوم خانم سارا ابروانی که کتاب «زیباترین ستاره» ایشان جایزه گرفت و نفر سوم خانم نرگس برومند بود. خانم گل محمدی و آقایان عبدالله‌زاده و نیکان‌پور هم برگزیدگان بعدی این نمایشگاه بودند. ما نمی‌دانستیم جایزه خارجی‌ها را چه کار کنیم و به همین علت، این جوایز در حدود یک سال در دبیرخانه نمایشگاه ماند. نمایشگاه دوم، نمایشگاه آسیایی بود و ۱۰ نفر هم برگزیده سوم داشت: آقای خائف، آقای تهرانی، آقای نصر، خانم تقوی، آقای وکیلی و چند نفر هم از کشورهای دیگر که جایزه این‌ها مداد بلورین بود.

نمایشگاه سال ۷۲ که آخرین نمایشگاه قبل از دوم خرداد بود. به لحاظ بین‌المللی هم پذیرفته و شناخته شده بود. ما از قبل، ارتباطات خوبی با تصویرگران کشورهای دیگر برقرار کرده بودیم.

نمایشگاه سال ۷۲، از حیث برگزاری، سازمان‌دهی و ارتباطات بین‌المللی جزء بهترین



نمایشگاه قبلی افتاده بود، ممکن بود به تعطیلی همیشگی نمایشگاه می‌انجامید. با وجود این، نمایشگاه برگزار شد. و ما به سبب نداشتن امکانات مالی، نمایشگاه را به صورت بین‌المللی برگزار نکردیم.

به نظر من، داوری نقطه مرکزی یک نمایشگاه نیست، بلکه جذاب‌ترین قسمت نمایشگاه است. من از شما می‌خواهم در مورد داوری‌ها اظهار نظر کنید. خلاصه بگویم که این ماحصل برگزاری پردردسر پنج دوره نمایشگاه تصویرگران بود.

در این دوره، برگزیده ویژه نمایشگاه، آقای خائف بودند و خانم بزرگ سهرابی، جایزه ویژه اولی‌ها را گرفتند. خانم راشین خیریه، برای کتاب «گرگ بدبخت»، برگزیده اول بخش تصاویر متن شدند. آقای زاهدی، برای کتاب «خاله سوسکه»، برگزیده دوم بخش تصاویر متن شدند و برگزیده سوم آقای نیکان پور بودند. آقای شفیعی، آقای غلامرضا نصر اصفهانی، خانم ابراهیمی، آقای بیدقی، آقای عامه‌کن و آقای نامور هم دیپلم افتخار نمایشگاه را گرفتند.

برای تصویرگری «قصه‌ای که دوست می‌داشتم»، خانم ادیب نیشاپوری جایزه اول و آقای زمانی جایزه دوم و خانم تحلیلی جایزه سوم را گرفتند. برای طرح روی جلد، نفر اول و دوم نداشتیم، اما آقای مفاخری، آقای شفیعی، آقای

مشیری، آقای نصر و آقای غریب‌پور تشکیل دادند.

بعد از این که ساختار نمایشگاه تصویرگران ایران دچار بی‌نظمی شد. هم‌چنان در آن سال‌ها سمینار ادبیات کودکان برگزار می‌شد که سه دوره آن را آقای رحماندوست برگزار کردند و دوره چهارم را هم ایشان اداره کردند. سپس حرکت سمینار ادبیات کودکان هم متوقف شد. این نخستین سمینار در ایران بود که یک دوره برنامه پنج‌ساله برای فعالیتهای اعلام کرد و برای هر دوره یک موضوع خاص در نظر گرفت. این سمینار با رفتن آقای رحماندوست از وزارت ارشاد، به تعطیلی کشیده شد.

در سال ۷۸، سمیناری با عنوان «جهان مقدس و جهان کودکان» برگزار شد که در این سمینار، نزدیک به ۱۰ مقاله از ۱۰ محقق خارجی عرضه شد و موضوعات آن‌ها بحث دین و جهان معنوی، در حوزه‌های مربوط به کودکان بود. پیام این سمینار را دبیرکل یونسکو داد که آقای احسان نراقی، به نمایندگی پیام را قرائت کرد. این سمینار جزء برنامه‌های یونسکو قلمداد شد و این اتفاق نسبتاً بزرگی بود که متأسفانه، به آن بها داده نشد. دبیر این سمینار، آقای عموزاده خلیلی بود.

ما نمایشگاه بعدی یعنی نمایشگاه پنجم را در سال ۸۱ و در شرایطی برگزار کردیم که وقفه طولانی مدتی که بین برپایی این نمایشگاه و

نمایشگاه‌های ما بود. ما دیگر در داخل، مشکل سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی نداشتیم و از نظر بودجه هم دست‌مان بازتر بود.

اعضای هیأت داوری که به ایران می‌آمدند و داوری نمایشگاه ما را به عهده می‌گرفتند، فکر می‌کردند که دارند به ما لطف می‌کنند که برای داوری، وارد یک کشور عقب مانده می‌شوند. ولی وقتی پا به کشور گذاشتند و ابهت و حجم زیاد کارهایی را که در نمایشگاه بود، دیدند، نظرشان عوض می‌شد.

جوایز نمایشگاه ۷۲ را آقای امیر نساجی، خانم ابروانی، خانم خسروی و خانم تقوی گرفتند. جالب این است که پس از این نمایشگاه، تا ۶ سال بعد از آن، نمایشگاهی برگزار نشد. پس از آمدن دولت آقای خاتمی، با زحمت‌هایی که خانم گل‌محمدی کشیدند، خانه تصویرگران کتاب کودک راه‌اندازی شد و نمایشگاه تصویرگران، در قالب آن خانه برگزار شد. خوشبختانه آقای مهاجرانی، سابقه‌ای از این نمایشگاه داشتند و به دلیل آشنایی ایشان با من و خانم گل‌محمدی، در اولین دیدار به ما گفتند هر موقع و با هر میزان بودجه‌ای که شما بخواهید، این کار شدنی است. و ما هم بودجه ۶۰ یا ۷۰ میلیون تومانی را اعلام کردیم و ایشان هم پذیرفتند. به این ترتیب، نمایشگاه در سال ۱۳۷۸ برگزار شد. اعضای هیأت داوری انتخاب اولیه نمایشگاه ۷۸ را آقای دادگر، آقای طلایی، خانم



زاهدی و خانم شعبانی دیپلم ویژه گرفتند. اکرمی: به ذهنم رسید که ۷۰ تا ۸۰ درصد برنده‌ها از نسل چهارم و امروز تصویرگران ما هستند.

بهمن پور: زمانی تعداد تصویرگران کتاب کودک ما حدود ۴۰ نفر بود، ولی الان ۴۰۰ نفر هستند. در واقع ۴۰۰ نفر می‌توانند کتاب کودک را تصویرگری کنند.

یکی از حاضرین: هیأت داوران را براساس چه اصولی انتخاب کردید؟

بهمن پور: نظرما این بود که اعضای هیأت داورى یکدست باشد و آن‌ها هم استقبال کردند. ما لیستی تهیه کردیم از کسانی که می‌توانستیم به آن‌ها پیشنهاد داورى بدهیم. در این مجموعه، آقای نصر بالاترین رأی را آوردند...

رویا بیژنی: من فکر می‌کنم کسانی که برنده جایزه شدند، کارشان عالی بود. البته، آن‌ها اول باید مسیر و جاده‌شان را مشخص کنند. من تصویرگر با دیگران هیچ فرقی ندارم و همه با هم برابریم، ولی جاده‌ها و مسیرهایمان فرق می‌کند. این یکی جاده فشنگی دارد و آن یکی جاده سنگلاخی. ما باید به تعالی برسیم و هدف و راهی که ما انسان‌ها می‌رویم، یکی است.

متأسفانه، اتفاقاتی افتاد که من از آن سردر نمی‌آورم. به نظرم هیأت داوران مسیر نادرستی را انتخاب کردند که برای همه ما تلخ بود و شما یا خود داوران باید پاسخ‌گوی آن باشید.

بهمن پور: چند مسئله در هیأت داورى آن دوره اتفاق افتاد. از جمله در مورد بعضی کارها که احساس می‌شد ممکن است کپی باشد، بحث‌هایی در گرفت و هیأت داوران، در مواردی ناخواسته یا نادانسته، حقی را باطل و باطلی را حق جلوه دادند. این اتفاق در هر کجا می‌افتد و نمی‌توان برای آن دلایل منطقی آورد. شاید نتیجه مجموعه محاسباتی باشد که شما هم اگر در این مجموعه محاسبات قرار بگیرید، احساس کنید که تصمیم‌تان درست است.

اکرمی: در مورد پنجمین نمایشگاه تصویرگران، دو ویژگی به ذهنم رسید که در حد یادآوری ذکر می‌کنم. یکی جوان‌گرایی بیش از حد آن و نکته دوم، توجه بیش از حد هیأت داوران، به تصویرگری انتزاعی است.

ساویسا مهور: آقای بهمن پور، در نمایشگاه چهارم، حضور چهره کودک و خود کودک در تصاویر، چندان محسوس نبود. می‌توانید توضیح دهید؟

بهمن پور: نمی‌دانم این نظر تا چه حد درست است. باید کار تحقیقی انجام شود.

اکرمی: با تشکر. همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

هیأت داورى با مجموعه‌ای از عوامل مختلف سروکار دارد و سؤالی که همیشه وجود دارد، ولی واقعی نیست، می‌تواند در قضاوت نسبت به انتخاب آن‌ها دخیل باشد. وقتی فرد دارد داورى می‌کند، یک رأی آن قدر قدرت ندارد که پنج یا شش رأی دیگر را عوض کند. در عوض، آن قدر انعطاف دارد که رأیش عوض شود.

اکرمی: در مورد خانم قزل ایاغ که برای بار اول در هیأت داوران حضور داشتند، می‌توانید توضیح دهید؟